



انجام دادیم

الدَّرْسُ السَّادِسُ (فعل ماضی: فَعَلْنَا)

﴿...ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ﴾ الرَّوم: ۵۸

ما برای مردم در این قرآن از هر نوع مثلی زدیم



الدَّرْسُ السَّادِسُ

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۶ کلمه)

کار کرد	فعل ماضی عَمِلَ:	خدا خدایان «مفرد: إله»	جمع مکسر آلِهَة:
بخشید	عَفَوًا:	سرد	حارٌ ≠ بارد:
میوه میوه ها «جمع: فَوَاكِه»	فاكِهَة:	انجیر	نین:
خوشحال شد	فعل ماضی فَرِحَ:	نشست نشستیم	فعل ماضی جَلَسَ: فعل ماضی جَلَسْنَا:
گفت	فعل ماضی قَالَ:	هوا	جَوَّ:
بُرید بُریدیم	فعل ماضی قَطَعَ: فعل ماضی قَطَعْنَا:	مرزها	جمع مکسر حُدُود:
پوشید	فعل ماضی لَبَسَ:	غمگین شد	فَرِحَ ≠ حَزِنَ:
فراموش کرد	فعل ماضی نَسِيَ:	حفظ کرد. حَفِظَكُمُ اللَّهُ: خدا شما را حفظ کند.	فعل ماضی حَفِظَ:
یاری کرد	فعل ماضی نَصَرَ:	احساس ... کرد	فعل ماضی شَعَرَ بِ:
پدر والد = أب	والِد:	ساخت	فعل ماضی صَنَعَ:
مادر والدة = أم	والِدة:	زد زدیم	فعل ماضی صَرَبَ: فعل ماضی صَرَبْنَا:
افتاد	وَقَعَ:	عبور کرد	فعل ماضی عَبَرَ:
ایستاد وَقَفَ ≠ جَلَسَ	فعل ماضی وَقَفَ:	شناخت، دانست	فعل ماضی عَرَفَ:

فِي الْحُدُودِ لِلْحُضُورِ فِي مَسِيرَةِ الْأَرْبَعِينَ الْحَسِينِيَّ

در مرزها برای حضور در مسیر اربعین حسینی



مادر بزرگ
الْجَدَّةُ:

محسن
مُحْسِن:

أَلُو. أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا عَزِيزِي.

الو سلام بر تو ای عزیزم

كَيْفَ مَا عَرَفْتَ جَدَّتَكَ؟! كَيْفَ حَالُكَ؟

چطور شناختی مادر بزرگت را؟ چطور است حال تو؟

أَنَا بِخَيْرٍ وَكَيْفَ حَالُكَ؟

من خوبم و حال تو چطور است؟

أَيْنَ أَنْتُمْ الْآنَ؟

شما الان کجا هستید؟

أَيْنَ الْوَالِدِ وَالْوَالِدَةِ؟

پدر و مادر کجاست؟

هَلْ هُمَا بِخَيْرٍ؟

آیا آن دو خوب هستند؟

كَيْفَ الْجَوُّ هُنَاكَ؟

هوا آنجا چطور است؟

مَاذَا لَبِستَ يَا عَزِيزِي؟

چه چیزی پوشیدی ای عزیزم؟

مَاذَا لَبِستَ أَبُوكَ وَ لَبِستَ أُمَّكَ؟

چه چیزی پوشیده است پدرت و چه چیزی پوشیده است مادرت؟

حَفِظْكَ اللَّهُ! مَعَ السَّلَامَةِ.

خدا شما را حفظ کند. به سلامت

عَلَيْكَ السَّلَامُ. مَنْ أَنْتَ؟

سلام بر تو تو کیستی؟

عَفْوًا! مَا عَرَفْتُ صَوْتَكَ. كَيْفَ حَالُكَ؟

بخشید. صدایت را نشناختم. حالت چطور است؟

كُلُّنَا بِخَيْرٍ.

هممون خوبیم

وَصَلْنَا إِلَى مَدِينَةِ مَهْرَانَ فِي الْحُدُودِ.

رسیدیم به شهر مهران در مرزها (مرز)

هَمَا جَالِسَانِ عَلَى الْكُرْسِيِّ.

آن دو بر روی صندلی نشسته اند

نَعْمَ! الْحَمْدُ لِلَّهِ.

بله خدارا شکر

الْجَوُّ بَارِدٌ قَلِيلًا.

هوا کمی سرد است

لَبِستَنَا مَلَائِسَ مُنَاسِبَةً.

لباس های مناسبی پوشیدیم

شُكْرًا جَزِيلًا. إِلَى الْلِقَاءِ.

خیلی ممنون به امید دیدار

اول شخص جمع

طریقه ساختن ← ریشه سه حرفی فعل + شناسه (نا) = اول شخص جمع

مثال 1	ذَهَبَ + نا	نَحْنُ ذَهَبْنَا
ترجمه فارسی	رفت + یم	ما رفتیم
مثال 2	رَجَعَ + نا	نَحْنُ رَجَعْنَا
ترجمه فارسی	برگشت + یم	ما برگشتیم

فعل ماضی (۳)



نَحْنُ جَلَسْنَا فِي الْمَكْتَبَةِ.
ما نشستیم در کتابخانه.

نَحْنُ كَتَبْنَا واجباتنا.
ما نوشتیم تکالیفمان را.

Arabi_7_8_9

کانال عربی متوسطه عیوضی

به جمله عربی و فارسی زیر دقت کنید.

ما انجام دادیم.	اول شخص جمع	نَحْنُ فَعَلْنَا. (متکلم مع الغیر)	   
-----------------	-------------	---------------------------------------	--

جمله «نَحْنُ فَعَلْنَا» برای مثنی و جمع و برای مذکر و مؤنث به یک شکل به کار می‌رود.

فعل ماضی با حرف «ما» منفی می‌شود؛ مانند:

جَلَسْنَا: نشستیم ما جَلَسْنَا: ننشستیم.

ما + فعل ماضی = فعل ماضی منفی

مثال 1: ذَهَبْتَ (رفتی) ما ذَهَبْتَ (نرفتی)

مثال 2: رَجَعْتَ (برگشت) ما رَجَعْتَ (برنگشت)

روش ساخت ماضی منفی ←

التَّمَارِين

۱ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

ترجمه کنید.

۱. ﴿...صَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ﴾ آتِزوم: ۵۸

ما برای مردم در این قرآن از هر نوع مثلی زدیم.

۲. ﴿أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَيْبَةِ يَا إِبْرَاهِيمُ﴾ الأنبياء: ۶۲

آیا تو انجام دادی این (کار) را با خدایانمان ای ابراهیم؟

۳. ﴿صَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِي خَلْقَهُ﴾ ياسين: ۷۸

برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد.

۴. قَالَ الطِّفْلُ: «أَنَا مَا حَزَنْتُ».

کودک گفت: من ناراحت نشدم.

۵. نَحْنُ مَا عَبَرْنَا الْحُدُودَ.

ما از مرزها عبور نکردیم.

۲ التَّمَرِينُ الثَّانِي:

کلمات مرتبط در ردیف «الف» و «ب» را به هم وصل کنید.

الف	پیراهن زنانه - دانش دنیا - نماز فراموشی پرسیدن الْفُسْتَانُ - الْعِلْمُ - الدُّنْيَا - الصَّلَاةُ - النَّسِيَانُ - السُّؤَالُ
ب	مزرعه آخرت است - گنج است از لباس های زنانه - آسیب علم است - کلید علم است - ستون دین است مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ - كَنْزٌ - مِنْ مَلَابِسِ النِّسَاءِ - آفَةُ الْعِلْمِ - مِفْتَاحُ الْعِلْمِ - عَمُودُ الدِّينِ

۳ التَّمَرِينُ الثَّلَاثُ:

هر جمله را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



أَنْتِ نَصْرْتَهُ. لِأَنَّكَ شَرِيفٌ.

تو یاری کردی. او را. زیرا تو. (انسان) شریفی هستی



أَنَا حَزِنْتُ قَلِيلًا.

من کمی ناراحت شدم



أَنْتِ لَبِستِ عِبَاءَةً جَمِيلَةً.

تو چادر زیبایی پوشیدی.



هُوَ وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ.

او به زمین افتاد.



هِيَ نَسِيَتْ شَيْئًا.

او چیزی را فراموش کرد.



نَحْنُ وَقَفْنَا لِأَخْذِ الْجَوَائِزِ.
ما برای گرفتن جایزه ایستادیم.



نَحْنُ شَعَرْنَا بِالِافْتِخَارِ.
ما احساس افتخار کردیم.



نَحْنُ قَرَحْنَا كَثِيرًا.
ما بسیار خوشحال شدیم.



نَحْنُ عَبَرْنَا الْجَبَلَ.
ما عبور کردیم از کوه.



نَحْنُ قَطَعْنَا الْخَشَبَ.
ما چوب را بریدیم.



۱. - مَنْ أَوَّلَ نَبِيٍّ عَمَلٍ فِي مَرَكَزِ الْحُكُومَةِ؟
اولین پیامبری که در مرکز حکومت کار کرد چه کسی است؟
- سَيِّدُنَا يُوْسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
سرورمان یوسف (ع)



۲. - مَا هِيَ السُّورَةُ الَّتِي بِاسْمِ فَاكِهَةٍ؟
سوره ای که به اسم یک میوه است؟
- سُورَةُ «التِّين».
سوره «التین»

﴿وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ﴾



۳. - لَقَبُ كَدَامِ بِيَامِرٍ «ذَبِيحِ اللّٰهِ»؟
لقب کدام پیامبر «ذبیح الله» است؟
- نَبِيُّ اللّٰهِ اِسْمَاعِيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
پیامبر خدا، اسماعیل (ع)